



Semantic Evolution of the Word "Balad" and Its Uses in the Holy Quran

Hossein Ahmadiamoia, Parvaneh Salehi^b*

^a Ph.D. in Arabic Language and Literature, Lecturer at Farhangian University, Iran. lords.nahw63@yahoo.com.

^b Master's degree holder of Arabic Language and Literature, Farsan, Iran.

KEYWORDS

Semantic evolution
Balad
Knowledge
The Holy Quran

ABSTRACT

The first step to obtain the knowledge of the Quran is to know the exact meaning of its words, i.e., semantically. Semantics is a part of today's linguistics and a way to check the words of a language; it is an efficient tool for discovering new meanings in the text, which reveals the history of the semantic evolution of each word and examines the worldview that governs the language as the analyst pays attention to the culture and customs or the culture of the one who wrote the text. The word Balad is one of the words of the Holy Quran that has various uses and is mentioned 19 times in the Quran. Considering semantics as a useful method in examining the words of the Qur'an, the present study examined the special position of this word and its importance in the holy book. In fact, by applying semantics, it is possible to analyze the different semantic layers of a word, sometimes by putting together synonyms and antonyms and the plural and singular forms of the word, and also by analyzing the exact root of a word. Accordingly, the semantic evolution of the word "balad" in the Qur'an was investigated along with its lexical and conceptual meanings. The study examined an example of this word. In fact, the word Balad has various uses in the Qur'an, and it is different from the word Madina, and it has a geographical extension.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تطور معنایی واژه «بلد» و کاربردهای آن در قرآن کریم

حسین احمدی آمویی الف*، پروانه صالحی فارسانی ب

الف دانش‌آموخته‌ی دکترای زبان و ادبیات عربی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایران، لردگان. nahw63@yahoo.com

ب کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، ایران، فارسان

واژگان کلیدی	چکیده
تطور معنایی، بلد، قرآن کریم، تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸	گام نخست برای دست‌یابی به معارف قرآن، شناخت دقیق معانی واژگان آن است. معناشناسی بخشی از زبان‌شناسی امروزی، روشی است برای بررسی واژگان و ابزاری کارآمد برای کشف معانی جدید در متن است که از تاریخ تطور معنایی هر واژه پرده برداشته و جهان‌بینی حاکم بر زبان را بررسی می‌کند. واژه بلد یکی از واژگان قرآن کریم است که کاربردهای مختلفی دارد. این واژه نوزده بار در قرآن ذکر شده است. با در نظر گرفتن روش معناشناسی به‌عنوان روشی سودمند در بررسی واژگان قرآن جایگاه خاص این واژه و اهمیت آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. درواقع در روش معناشناسی گاهی با در کنار هم قرار دادن واژگان مترادف و متضاد و جمع و مفرد واژه و همچنین ریشه‌یابی دقیق یک واژه می‌توان به لایه‌های متفاوت معنایی واژه دست‌یافت.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰	در این مقاله به بررسی تطور معنایی واژه بلد در قرآن پرداخته می‌شود و معانی لغوی، معانی مفهومی و معانی مصداقی این واژه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در واقع واژه بلد دارای کاربردهای مختلفی در قرآن است که در اینجا ذکر می‌شود و این که واژه بلد با واژه مدینه متفاوت است و به نوعی یک گسترگی جغرافیایی دارد. این واژه دارای شش کاربرد است که در آیات مختلف معانی متفاوتی دارند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ ۱- به طور عام به معنای سرزمین ۲- به معنای زمین حاصل خیز و طیب ۳- به معنای شهر مکه ۴- شهر قوم سبأ اطلاق شده است ۵- سرزمین فرعون و عاد و ثمود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

معناشناسی کار کشف و سازوکارهای معنا و معنایی که در پس لایه‌های متن ذخیره شده است را به عهده دارد. (مطیع، پاکتچی، ۱۳۹۰)

اصطلاح معناشناسی در زبان انگلیسی به «semantics» مشهور است. در زبان عربی «علم الدلالة» یا «علم المعنى» نام دارد؛ گرچه در عربی نیز برخی آن را «سمانتیک» می‌نامند. (احمد مختار، ۱۹۹۸: ۱۱)

معناشناسی روش جدیدی برای بررسی و تبیین مفاهیم و واژگان و کشف معانی جدید در عرصه علوم قرآن و تفسیر است. از آنجایی که قرآن به زبان عربی نازل شده است و از آنجایی که مردم مکه همان بازماندگان دوران جاهلیت بوده‌اند پس ادبیات و شعر و بلاغتشان همانی است که در دوران جاهلیت بوده است و این فصاحت و بلاغت در طول تاریخ بشر رشد نموده و پیشرفت کرده است و الفاظ و کلمات دارای معانی متعددی شده‌اند و قرآن نیز مطابق با همین ذوق و سلیقه نازل شده تا راحت‌تر مورد پذیرش قرار بگیرد و هر کلمه از آن دارای بار معنایی بسیاری است. از این‌رو در این نوشتار به بررسی معناشناسی و تطوّر معنایی واژه بلد در قرآن می‌پردازیم که ۱۹ بار در قرآن به کار رفته است.

پیشینه بحث

پژوهش‌های بسیاری در زمینه زبان قرآن و زبان عربی انجام شده است مانند غریب القرآن از ابن قتیبه که به بررسی واژگان قرآن با تکیه بر شعر جاهلی پرداخته است. الاتقان سیوطی به بررسی لغات و لهجه‌های عربی به کار رفته در قرآن می‌پردازد.

یکی از کارهایی که در این زمینه صورت گرفته معناشناسی واژگان قرآنی می‌باشد که در این زمینه مقالات زیادی نوشته شده است. مقاله‌ای با عنوان معناشناسی واژه امشاج به عنوان واژه‌ای تک کاربرد در قرآن توسط محمدعلی رضایی کرمانی نوشته شده که در فصلنامه قیم به چاپ رسیده و معانی متفاوت این واژه را ذکر کرده است.

تبیین میدان معناشناسی مفهوم «تاریخ» در نهج البلاغه از حسن شفیعی کمال آبادی که در مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی به چاپ رسیده است (شفیعی کمال آبادی، ۱۴۰۰: ۸۷). بررسی معنا شناسی واژگان حوزه غفران در قرآن کریم از صفا وحید که در مجله مطالعات قرآن و حدیث به چاپ رسیده است. (وحید، ۱۴۰۱: ۲۷۹).

همچنین مقاله‌ای با عنوان تبیین روش معناشناسی واژگان تربیتی کلیدی قرآن: معناشناسی موردی مفهوم تربیت از علی فتحی در مجله تربیت اسلامی چاپ شده است. (فتحی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

آنچه که ما در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار داده می‌شود تطوّر معنایی واژه بلد در قرآن می‌باشد که دارای کاربردهای متفاوتی است و در اینجا نشان داده می‌شود که واژه بلد به غیر از واژه مدینه است.

معنای لغوی واژه بلد؛

واژه بلد در لغت به معنای راهبر و پیشوا؛ راهنما؛ آنکه راه را می‌شناسد و دیگران را راهنمایی می‌کند، آمده است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۲۹/۱) بلد و بلده: سرزمین، دیار. اصل در این ماده، قطعه محدود و معینی از زمین است، خواه معمور و مسکون باشد یا خالی از عمارت و سکنی (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۲۹/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۴/۳؛ طریحی، ۱۳۸۵: ۱۷/۳). اگر قابلیت سکونت داشته باشد، به آن شهر گویند. مؤید این معنا، توصیف بلد در قرآن با اتصاف آن به صفاتی همانند میت، حیات، احیاء، اماته و ... است که دلالت بر آن می‌کنند که منظور، زمین‌های کشاورزی و باغ‌های پردرخت است نه شهرهای قابل سکونت (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۲۹/۱). از نظر راغب نیز، بلد مکانی است محدود و معین و محلّ انس به اجتماع ساکنین و اقامتشان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۲/۱). اطلاق نام البلد بر شهر و مدینه نیز، به اعتبار یکی از مصادیق آن است که در چنین مواردی حتماً قرینه‌ای در کلام وجود دارد؛ مثلاً در (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) (ابراهیم/۳۵) یا (وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ) (بلد/۳)، اسم اشاره هذا، مفهوم آن را به معنای شهر مکه، معین می‌کند. اما در صورت عدم وجود قرینه، به معنای مطلق آن حمل می‌شود. (فجر/۱۱ و ۸).

کلمه «بَلَد» در لغت، به معنای قطعه زمینی است آباد یا غیرآباد و خالی از سکنه یا مسکونی. ابن منظور می‌گوید:

الْبَلَدَةُ وَالْبَلَدُ: كُلُّ مَوْضِعٍ أَوْ قِطْعَةٍ مُسْتَحْيِزَةٍ، عَامِرَةٌ كَانَتْ أَوْ غَيْرَ عَامِرَةٍ. الْأَزْهَرِيُّ: الْبَلَدُ كُلُّ مَوْضِعٍ مُسْتَحْيِزٍ مِنَ الْأَرْضِ، عَامِرٍ أَوْ غَيْرِ عَامِرٍ، خَالٍ أَوْ مَسْكُونٍ «هرجایی یا پاره‌ای از زمین است، آبادان باشد یا ناآبادان. ازهری می‌گوید: بلد، هرجایی از زمین است، آبادان باشد یا ناآبادان، خالی از سکنه باشد یا مسکونی». (ابن منظور: ۳/ ۹۴)

بر این اساس، «بلد» از نظر لغوی، شامل «مدینه (شهر)» و «قریه (روستا)» و نیز سرزمین‌های خالی از سکنه می‌شود اما راغب اصفهانی، در تبیین معنای «بلد» آورده است: البلد «الْمَكَانُ الْمُحِيطُ الْمَحْدُودُ الْمُتَأَثِّرُ بِاجْتِمَاعِ قُطَانِهِ وَ إِقَامَتِهِمْ فِيهِ» بلد، مکانی است معین و دارای حدود که از اجتماع و اقامت سکنه در آن، تأثیر پذیرفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۲)

این کلمه همچنین به معنای یکی از منازل ماه و به معنای سینه و گشادگی و فاصله میان ابروها آمده است. (جوهری، ۱۳۶۸: ۴۴۹/۲)

واژه بلد فراتر از معنای مدینه و قریه

بر اساس بررسی‌های لغوی که صورت گرفت واژه بلد شامل مدینه و قریه نیز می‌شود. قدر مشترک بیان لغت‌شناسان در معنای بلد؛ عبارت «کل موضع مستحیز من الارض» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۲/۱) بیشتر لغت‌نامه‌ها این واژه را «زمینی محدود شده و حصار کشیده» معنا کرده‌اند که قید سکونت انسان در آن الزامی ندارد. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۵۴/۱). همان‌طور که در معنای بلد وجود آبادانی و عمران ضرورت ندارد. از این رو هرچه محدوده بلد وسیع‌تر باشد اطلاق بر انسان ندارد و درواقع بلد سرزمین را در نظر دارد و معنای تمدن را نمی‌رساند. در قرآن صفت احیاء برای بلد سرسبز و اماته برای بلد بی‌آب و علف آمده و اشاره‌ای به حضور ضروری انسان در بلد نمی‌شود. درواقع شهرهای مقدسی با عنوان «بلد» در قرآن آمده و شرافت این شهرها به دلیل حضور پیامبر خدا؛ خانه کعبه و یا دعای انسان بزرگی در حق آن سرزمین ذکر شده است و بلد به خودی خود شرافتی ندارد. (ابراهیم/۳۵؛ تین/۳ و بلد/۲) آیاتی در سوره فجر از بلاد پیشرفته‌ای یاد می‌کند که در زمانه خود نظیری نداشتند. (فجر/۷)

قرآن این شهر را با وصف «ارم ذات العماد: دارای ستون‌های بلند» کنایه از عظمت و شکوه معرفی می‌کند که به دلیل طغیان مردمانشان، نابود شدند. بنابراین بلد؛ ناظر به بستر و جغرافیا و مکان است.

قریه به معنای «اجتماع مردمی» است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۸/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۹/۱) و مطلق جمعیت، بدون در نظر گرفتن نظم و تدبیر در آن مدنظر است. (مصطفوی، ۱۴۰۳: ۲۸۲/۹) برخلاف معنای لغوی واژه بلد؛ قید «سکونت انسان» درباره قریه وجود دارد و در قرآن کریم این واژه از مجتمع‌های انسانی حکایت می‌کند.

قریه در قرآن نمادی از جامعه به هلاکت رسیده را به تصویر می‌کشد زیرا خیل عظیمی از آیات مشتمل بر واژه قریه در مذمت و هلاکت اهل آن است. البته آیات اندکی همچون آیه «۹۶ سوره اعراف» به شرط ایمان و تقوای اهل قریه سرنوشت نیکویی برایشان پیش بینی شده اما در انتهای آیه به تکذیب آن‌ها اشاره شده است. (نحل/۱۱۳)؛ (إسراء/۱۶)

اما در مورد واژه مدینه باید گفت که ظاهر این کلمه بر شهرنشینی دلالت دارد و از نظر لغویان؛ مدینه بر مکان حضور انسان یا منزل و مسکن اطلاق می‌شود. مطابق بررسی‌های قرآنی جایگاه واژه مدینه از قریه و از بلد بالاتر است. از لحاظ این که مدینه در قرآن به شرافت حضور پیامبر مزین شده است و در هیچ کدام از آیاتی که مدینه در آن‌ها به کار رفته، سرنوشت اهل مدینه نابودی نیست و جامعه مدینه به لحاظ سعادت‌مندی مردمانش که در پیروی از انبیاء حاصل شده است از بلد بالاتر است اما اگر از لحاظ جغرافیایی در نظر داشته باشیم واژه بلد بر سرزمین اطلاق شده و بزرگتر از مدینه و قریه است. (قاسمی، ۱۳۹۸: ۳۱-۵۴)

خداوند متعال در قرآن، ابتدا مکه را «بلد» نامیده و پس از هجرت پیامبر(ص) از آن شهر تعبیر به قریه کرده است اما از مدینه به احترام اقامت و مدفن پیامبر خدا (ص) هیچ وقت جز مدینه یاد نکرده است؛ مگر یک بار به نقل قول از منافقان مدینه، که از شدت کینه و عناد با پیامبر، اهل مدینه را با نام قبلی آن یعنی اهل یثرب، صدا کرده‌اند (وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا...) (احزاب/۱۳) {به یاد آور هنگامی را که گروهی از آنان(منافقان)گفتند: ای اهل یثرب!! اینجا(میدان جنگ خندق)جای شما نیست، برگردید(و خود را به هلاکت نیندازید)}

قرآن از زمین مکه در حالی که هنوز صحرای بی آب و علفی بیش نیست با حضور پیامبری چون حضرت ابراهیم (ع)، به «البلد» تعبیر می‌نماید و آنگاه که شهری بزرگ می‌گردد و سکونتگاه پیامبر اسلام (ص) می‌شود، باز هم «البلد» نام می‌برد و چون پیامبر را از آن اخراج می‌کنند، همانند دیگر آبادی‌ها عنوان قریه بر آن می‌نهد و هنگامی که به دست مسلمانان فتح می‌شود، «مکه» اش می‌خواند. آیات زیر را توجه فرمایید (اِذَا قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ اَمِنًا) (ابراهیم/۳۵) این سرزمین مکه که با حضور پیامبری چون ابراهیم (ع) و سپس پیامبر اکرم (ص) عنوان «بلد» را در کلام الهی بر خود گرفته بود، با هجرت پیامبر (ص) از آن، همچون دیگر آبادی‌ها با عنوان قریه معرفی می‌شود. (وَكَأَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ اَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي اُخْرِجْتَكَ اَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ) (محمد/۱۳)

در قرآن تنها یک بار از شهر مکه با همان نام مکه استفاده شده است و آن هم هنگامی است که به فتح آن شهر توسط مسلمانان اشاره می‌کند.

اما اینکه چرا در خصوص مکه به جای «المدینه» از «البلد» استفاده شده است:

«الْبَلَدَةُ» و «الْبَلَد» در لغت به معنای دیار، کشور، سرزمین و شهر آمده است ولی در اصطلاح قرآن، تنها معنای سرزمین و منطقه را افاده می‌نماید. شهر و قریه، محدوده‌ای با طول و عرض جغرافیایی معین و با شاخص‌های تعریف‌شده‌ای گفته می‌شود در حالی که بلد، منطقه‌ای بدون هرگونه شاخص و حدود مرزی می‌باشد.

قرآن برای بارش باران به زمین، از عبارت «بلد» استفاده می‌نماید؛ (وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّیَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ اِذَا اَقْلَمْتَ سَحَابًا ثِقَالًا سَفَّاهُ بَلَدًا مَّيِّتًا) (اعراف: ۵۷)

ابربارش خود را به شهر و روستای خط‌کشی شده‌ای متمرکز نمی‌کند و از تعاریف سیاسی و عرفی اهالی منطقه پیروی نمی‌کند بلکه طبق قانون طبیعی خود، منطقه و سرزمینی را مورد هدف قرار می‌دهند.

سخن وحیانی، همچنین برای بیان رویش گیاهان و حمل و نقل اسباب و کالاها که در مناطق گوناگونی صورت می‌گیرد، واژه «بلد» را برمی‌گزیند؛ بدین گونه: (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ) (اعراف/۵۸)

در نتیجه با توجه به تعاریفی که از این سه واژه صورت گرفت می‌توان گفت که بلد واژه‌ای عام است که بر سرزمین دلالت می‌کند خواه مردمی در آن زندگی کنند و یا خالی از سکنه باشد ولی در مورد مدینه شهرنشینی ملاک قرار دارد و قریه نیز روستای کوچکی است. از این رو می‌توان بلد را واژه عام در نظر گرفت.

وجوه قرآنی واژه بلد:

این واژه ۱۹ بار در قرآن ذکر شده است. در قرآن کریم، واژه «بلد»، نه بار، «بلدة» پنج بار و «بلاد» پنج بار به مناسبت‌های مختلف، تکرار شده‌اند و این واژه در مورد ۵ نوع مکان آمده است. در همه این موارد، بلد؛ مکانی محدود و معین و محل انس به اجتماع ساکنین و اقامتشان به کار رفته است. (اعراف/۵۷)، در آیه (ابراهیم/۳۵)، و آیات ۲ و ۳ سوره بلد و ۳ سوره تین و ۱۲۶ بقره و ۹۱ نمل که نوعاً «بلد» را شهر مکه گفته‌اند، اگر سرزمین می‌گفت و از معنی اول خارج می‌داشت، دیار و سرزمین شامل شهر نیز هست.

در زیر کاربردهای قرآنی این واژه ذکر می‌گردد:

۱. عموم سرزمین‌ها

قرآن کریم می‌فرماید: (لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ...) (آل عمران/ ۱۹۶-۱۹۷) رفت و آمد کافران در سرزمین‌های مختلف تو را نفریبید؛ متاعی ناچیز است. ابن عاشور می‌نویسد: مقصود از بلاد، سرزمین است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴) علامه طباطبایی نیز بیان می‌دارد که آیه شریفه بعد از آیاتی است که پاداش بهشت را برای انسان‌های نیکوکار و خردمند بیان کرده است و آیه به منزله این است که فرموده حالت ابرار و مؤمنان آن گونه بود که شناختی؛ اما آنچه از رفاه و ثروتمندی کفار می‌بینی، تو را فریفته نکند که آن متاعی است اندک و دوامی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴/ ۸۹)

۲. سرزمین‌های بدون گیاه

در قرآن آمده است: (وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ) (زخرف: ۱۱)، «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَسْقِيْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأُحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (فاطر: ۹). مقصود از بلد میت، سرزمین خشک و بی‌آب و علف است که به قرینه صدر آیه به وسیله باران با رویش گیاهان و زراعت، احیا و آباد می‌شود.

۳. سرزمین پاکیزه و مستعد (زمین دارای گیاه)

در آیه ۵۸ سوره اعراف بلد به معنای زمین پاکیزه و دارای گیاه آمده است. مفسران ذیل آیه شریفه (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ...) می‌گویند که مقصود از «البلد الطیب» زمینی است که دارای خاک پاکیزه باشد. (طبرسی، ۱۹۹۵: ۶۶۶/۴)

۴. شهر مکه

خداوند متعال در آیاتی می‌فرماید: (لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ) (بلد/ ۱)، (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) (تین/ ۳) و (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) (ابراهیم/ ۳۵). منظور از واژه بلد در این آیات مکه است.

۵. شهر قوم سبأ

معنای مصداقی واژه بلده در آیه ۱۵ سوره سبأ به معنای شهر قوم سبأ است؛ (لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ) برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای [از قدرت خدا] بود، دو باغ از راست و چپ. به آنان گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید. شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. به قرینه کلمه «سبأ» و کلمه «فِي مَسْكَنِهِمْ»، مقصود از «بلده» شهری است که قوم سبأ در آن زندگی می‌کرده است. برخی معتقدند نام این شهر صناعا بوده است. (قرطبی، ۱۳۶۸: ۱۴/۱۸۴).

۶. سرزمین قوم فرعون و عاد و ثمود

فرعون و قوم عاد و ثمود، در ممالک و سرزمین‌ها، به طغیان گری پرداخته، در گناه فرورفتند. هر سه؛ کسانی بودند که از حد بندگی گذشتند و بر انبیا تجبر و تکبر نمودند و در شهرهایی که حاکم بودند طغیان کردند.

واژه بلد در سوره فجر منظور مکانی است که این سه قوم در آن فساد کردند. (التي لم يخلق مثلها في البلد * و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد * و فرعون ذی الأوتاد * الذين طغوا في البلد * فاءكثروا فيها الفساد) (فجر/ ۸ تا ۱۲)

واژه بلد در سیاق آیات قرآن کریم؛

قرار گرفتن یک واژه در کنار واژگان دیگر و نظم و چینش آنها گاهی موجب می‌شود که یک واژه کاربردهای متفاوتی پیدا کند. در ذیل کاربردهای بلد در قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. عموم سرزمین‌ها (سرزمین‌های مسکونی)

(لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ) (آل عمران/ ۱۹۶ و ۱۹۷) این آیه خطاب به پیامبر است که گیرنده وحی است اما در حقیقت همه مومنان مخاطب هستند تا دگرگونی‌های برجسته زندگی کافران آنها را نفریبند.

در این آیه منظور از بلاد، سرزمینی است که کافران بر آن سلطه دارند و خداوند می‌فرماید که دگرگونی و سلطه کافران در سرزمین‌ها شما را نفریبند زیرا داشته‌های کافران متاعی اندک است و آنان در همین دنیا به دست عذاب الهی سپرده خواهند شد و فرجام دنیا هرگز به کام آنها و منافقان نخواهد بود (جواد آملی، ۱۳۹۳: ۱۶/۷۴۵).

از مقابله دنیا با پاداش؛ استفاده می‌شود که مقصود از «البلاد» تمامی سرزمین‌های دنیایی است. از دیدگاه ماوردی در آیه (تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ) (غافر/ ۴) دو احتمال وجود دارد: الف) غوطه‌ور بودن کافران در نعمت‌های دنیا؛ ب) رفت و آمدهای کافران

بدون آنکه در دنیا بر گناهانشان مؤاخذه شوند. (ماوردی، بی تا: ۴۴۴/۱) شأن نزول آیه نیز مؤید معنای عام بلاد است. طبرسی می نویسد: آیه درباره مشرکان عرب نازل شده است که تجارت می کردند و به آن متنعم بودند. برخی از مسلمانان گفتند دشمنان در زندگی راحتی اند و ما از گرسنگی هلاک می شویم یا آنکه درباره یهودیان است که در سرزمین های مختلف مسافرت می کردند و از اموال بهره مند می شدند. خداوند با نزول آیه بالا به مسلمانان هشدار داد که فریفته زندگی دنیایی آنان نشوند که متاعی ناچیز است و سپس جایگاهشان دوزخ است. (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۴/۴۳۰)

بلد در آیه «وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ...» (نحل / ۷) نیز به همین معناست. ابن جوزی می نویسد: در اینکه مقصود از کلمه «بلد» چیست، دو احتمال وجود دارد: ۱. عموم شهرها؛ ۲. شهر مکه؛ ولی صحیح احتمال اول است. (همان) اطلاق نیز مؤید عمومیت معنای بلد است.

۲. سرزمین های بدون گیاه

در آیاتی از قرآن کریم واژه بلد صفت برای میت قرار گرفته است و منظور از آن سرزمین مرده یعنی بدون آب و علف است. (وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدَرُ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ) (زخرف: ۱۱)، (وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأُحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ) (فاطر: ۹). مقصود از بلد میت، سرزمین خشک و بی آب و علف است که به قرینه صدر آیه به وسیله باران بارویش گیاهان و زراعت، احیا و آباد می شود.

در این آیه به بیان کوتاه و روشنی پیرامون مبدأ و معاد می پردازد و اثبات "مبدأ" را با اثبات "معاد" در یک دلیل جالب قرین کرده، می فرماید: "خداوند همان کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند سپس ما این ابرها را به سوی سرزمین مرده و خشکی می رانیم (فسقناه الی بلد میت) و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش زنده می کنیم (فأحیینا به الأرض بعد موتها). زنده شدن مردگان بعد از مرگ نیز همین گونه است. (کَذَلِكَ النُّشُورُ).

نظام حساب شده ای که بر حرکت بادها و سپس حرکت ابرها، و بعد از آن نزول قطره های حیات بخش باران و به دنبال آن زنده شدن زمین های مرده حاکم است، خود بهترین دلیل و خود بهترین گواه بر این حقیقت است که دست قدرت حکیمی در پشت این دستگاه قرار دارد و آن را تدبیر می کند.

نخست به بادهای گرم و داغ دستور می دهد از مناطق استوایی به سوی مناطق سرد حرکت کنند و در مسیر خود آب دریاها را بخار کرده به آسمان فرستند، سپس به جریان های منظم سرد قطبی که دائماً در جهت مخالف جریان اول حرکت می کنند دستور می دهد بخارات حاصله را جمع آوری کرده و ابرها را تشکیل دهند.

باز به همان بادها دستور می دهد ابرها را بر دوش خود حمل کنند و به سوی بیابان های مرده گسیل دارند، تا قطرات زنده کننده باران از آن سرازیر گردد.

سپس به شرایط خاص زمین و بذره های گیاهانی که در آن افشاندن شده فرمان پذیرش آب و نمو و رویش می دهد و از موجودی ظاهراً پست و بی ارزش موجوداتی زنده و بسیار متنوع و زیبا، خرم و سرسبز، مفید و پربار به وجود می آورد که هم دلیلی است بر قدرت خدا و هم گواهی است بر حکمت او و هم نشانه ای است از رستاخیز بزرگ. (قرطبی، ۱۳۶۸: ۱۴/۳۲۷)

یکی از اصحاب به پیامبر (ص) عرض کرد: یا رسول الله کیف یحیی الله الموتی و ما آیه ذلک فی خلقه؟ ای رسول خدا! چگونه پروردگار مردگان را زنده می کند و نشانه و نمونه آن در جهان خلقت چیست؟ پیغمبر فرمود: «اما مررت بوادی أهلك محلاً ثم مررت به یهتَزْ خُضراً؟ آیا از سرزمین قبيله ات گذر نکرده ای درحالی که خشک و مرده بوده و سپس از آنجا عبور کنی درحالی که از خرمی و سرسبزی گویی به حرکت درآمده؟ قلت: نعم! یا رسول الله: گفتم آری ای پیامبر قال فکذلک یحیی الله الموتی و تلک آیه فی خلقه». فرمود این گونه خداوند مردگان را زنده می کند و این نمونه و نشانه او در آفرینش است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۱/۱۸)

۳. زمین دارای گیاه

در آیه ۵۸ سوره اعراف بلد به معنای زمین پاکیزه و دارای گیاه آمده است. مفسران ذیل آیه شریفه (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ...) گفته اند که مقصود از «البلد الطیب» زمینی است که دارای خاک پاکیزه باشد (طبرسی، ۱۹۹۵: ۴/۶۶۶). برخی آیه را مثلی برای مؤمن و کافر قرار داده‌اند، قلب مؤمن و کافر با این که از نظر مادی گوشت و خون است، از نظر معنوی، قلب مؤمن موعظه‌پذیر است اما کافر سنگدل است، چنان که زمین‌ها باینکه از نظر جنس یکی‌اند، برخی از بارش باران انعطاف می‌پذیرند و سبزه و خرمی را به نمایش می‌گذارند. در مقابل، زمین شوره‌زار هیچ گونه گیاهی را نمی‌رویانند. (قرطبی، ۱۳۶۸: ۷/۲۲۳ و طبرسی، ۱۹۹۵: ۳/۴ و ۴/۶۶۶) برخی دیگر آیه را مثلی برای فرزندان آدم دانسته‌اند که در میان آنان خبیث و ناپاک و طیب و پاکیزه هست. (طبری، ۱۴۱۵: ۵/۲۷۶) گفتنی است استفاده از تشبیه؛ صدمه‌ای به کاربرد لفظ بلد وارد نمی‌کند؛ زیرا آنچه لحاظ شده، همان معنای اصلی است، اما در نظام و ساختار تشبیه.

۴. شهر مکه

واژه بلد در آیاتی از قرآن کریم موصوف برای امین قرار گرفته است و منظور از آن مکه می باشد و این باعث شده که ویژگی خاصی به این سرزمین مکه بدهد: امنیت صفت رسمی بلد شد و خداوند از مکه به عنوان بلد امین یاد کرد. چون امنیت و آرامش ساکنان آن از بهترین نعمت های خداوند بر آنان به شمار آمد (آیه ۴ قریش)

خداوند متعال در آیاتی می‌فرماید: (لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ) (بلد/ ۱)، «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین/ ۳) و (وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) (ابراهیم/ ۳۵). منظور از واژه بلد در این آیات مکه است.

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأَمَتُّهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ) (ابراهیم/ ۱۲۶)

خداوند در پاسخ کسانی که اخراج از سرزمین و آدم ربایی و مزاحمت های امنیتی را مانع ایمان آوردن خود می دانستند فرمود آیا ما برای آنان سرزمینی آمن فراهم نکردیم. (وَ قَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نَتَّخِطُّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا) (قصص/ ۵۷)

در آیه ۶۷ عنکبوت از برجسته ترین نعمت ها در این باره را این می فرماید که در حالی که در بیرون مکه آدم ربایی وجود دارد ما محدوده این شهر را امن قرار دادیم. محدوده بلد را امن قرار داده و امنیت آن به جعل الهی است نه این که همه ساکنان حرم الهی و مکه انسان های صالحی بوده اند.

امنیت به عنوان یکی از مهمترین نعمت های الهی در کنار بهره مندی های مادی و اقتصادی قرار گرفته است. دو خواسته حضرت ابراهیم در مورد شهر مکه در این آیه به این صورت است که اولاً این که سرزمین غیر معمور به صورت شهر در آید و دوم اینکه آن شهر امن گردد. بر همین اساس پس از این که بخش نخست دعا بر آورده شد و این سرزمین شکل شهر به خود گرفت در دعای دیگری که تتمه دعای پیشین است عرض کرد که پروردگارا این شهر را امن قرار بده (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) (ابراهیم/ ۳۵)

مقصود حضرت ابراهیم از این دعا به احتمال یا این بوده است که خداوند آنجا را شهری امن قرار دهد تا فرزندان او در بیابان به سر نبرند یا این که در حریم کعبه‌ای که او بنیان نهاده است شهری امن ساخته شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۶/۵۸۵)

امنیت کعبه در این دعا به صورت مطلق آمده است یعنی هم مومنان و هم کافران در آن ایمن هستند به این دلیل که تبعیض و تفکیک در اموری همچون امنیت روا نیست به نحوی که در یک سرزمین امن تنها بخشی از مردم مثلاً مومنان از امنیت برخوردار و از تهاجم بیگانگان مصون باشند و مطلق بودن این دعا به خاطر احترام به کعبه است.

اگرچه خداوند برای برخی زمان ها و مکان ها حرمت خاصی قرار داده است و هیچ کس مجاز نیست آن را هتک کند اما اگر بیگانگان تعدی کردند و حرمت را رعایت نکردند مسلمانان باید از اسلام و خود دفاع کنند (بقره/ ۱۹۱-۱۹۴)

واژه بلد الامین از نام های قرآنی مکه و گویای امنیت آن است. این ترکیب وصفی مرکب از دو واژه بلد و امین است. بلد به شهر و سرزمین، به اعتبار محدود بودنش از چند طرف و آباد و مسکونی بودنش اطلاق می شود. امین از ریشه امن و ضد خوف به معنای آرامش و یا به معنای دارای امنیت است. این ترکیب به معنای شهر دارای آرامش و فاقد ترس و وحشت است و نیز می تواند به معنای مفعولی یعنی ماعون باشد که در این حال «بلد الامین» تعبیری مجازی و مقصود از آن ساکنان دارای امنیت است. (فخر رازی، بی تا: ۴۹/۴ و مقری الفیومی، ۱۴۱۴: ۲۴/۲)

برخی «البلد» را به سبب «ال» عهد به تنهایی نام شهر مکه دانسته اند. از برخی اشعار منسوب به سال های آغازین بعثت مثل «اخرجتني من بطن مكة آمنًا» می توان فهمید دست کم در دوره ای نزدیک به ظهور اسلام؛ مردم مکه آن را شهری امن می دانستند. نخستین کاربرد «بلد الامین» به آیه ۳ تین برمی گردد که در سال های آغازین بعثت نازل شده است. (فاسی، ۱۳۸۶: ۶۸/۱)

مکی بودن بیشتر آیاتی که تعبیر بلد الامین را به کار برده اند گویای آن است که در دوره پیش از هجرت بلد الامین تعبیری رایج در مورد مکه بوده است. (طبرسی، ۱۹۹۵: ۱۰/۱۲ و ۶۱۳)

بنا بر آن چه در قرآن آمده است؛ حضرت ابراهیم در دعا های خویش از خداوند خواست مکه را شهری امن قرار دهد که در یک جای قرآن به شکل معرفه آمده است «اجعل هذا البلد آمنًا» و در جای دیگر به صورت نکره «اجعل هذا بلدًا آمنًا» آمده است. (ابن عاشور، ۱۹۷۴: ۳۷۳/۳۰). بسیاری از مفسران در تبیین این اختلاف صورت نکره را دعا برای شهر شدن آن سرزمین و معرفه را دعا برای برقراری امنیت در آن دانسته اند. (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۶/۵۸۴-۵۸۵)

واژه گزینی های قرآنی قطعاً تصادفی و بدون حکمت نیست، بلکه حاوی پیام های جداگانه ای نسبت به واژه های مشابه و یا به ظاهر مترادف دیگری می باشند. از این رو با تعمق در مفهوم بلد در آیات قرآنی که به معنای مکه است، دلایل زیر قابل برداشت می باشد:

الف) مکه؛ هنگامی که فرهنگ دینی در آن حاکم است و از دین حنیف ابراهیمی تبعیت می نماید، دارای حرمت و حریمی بیش از محدوده جغرافیایی آن است که هیچ شهری دارای چنین حرمتی نیست.

(أَئِمَّا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ ...) (توبه/ ۲۸). مشرکان پلیدند، پس نباید به مسجد الحرام (تا ۲۴ کیلومتری کعبه) نزدیک شوند.

ب) مکه، در فرهنگ اسلام، مادر زمین و مادر شهرها و قریه ها بوده و نخستین سکونتگاه انسانی به شمار می رود. بدین جهت وسعت جهانی دارد: (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ بِهِ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا) (شوری/ ۷، انعام/ ۹۲) و بدین سان قرآن عربی را به تو وحی کردیم تا اهل مکه و هر که را پیرامون آن (در روی زمین) است، بیم دهی.

۵. شهر قوم سبأ

معنای مصداقی واژه بلده در آیه ۱۵ سوره سبأ به معنای شهر قوم سبأ است. قرآن کریم می فرماید: (لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ) برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه ای از قدرت خدا بود، دو باغ از راست و چپ. به آنان گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید. شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. به قرینه کلمه «سبأ» و کلمه «فِي مَسْكِنِهِمْ»، مقصود از «بلده» شهری است که قوم سبأ در آن زندگی می کرده است. برخی معتقدند نام این شهر صناعا بوده است. (قرطبی، ۱۳۶۸: ۱۴/۱۸۴) درواقع سبأ نام سرزمین حاصلخیز یمن است و سبأ نام شخصیت بزرگ منطقه بوده که بر روی آن سرزمین گذاشته اند. این منطقه از هر گونه کمبود؛ آفات؛ ناامنی؛ فحشا و قحطی پاک بوده است از این رو این شهر را «بلده طيبة» نامیده اند.

آیه ۱۵ سوره سبأ در مورد بلد طیب آمده است که قرآن به لحاظ سرسبزی و رونق کشاورزی و دامداری از این شهر به بلد طیب یاد می کند ولی مکه را بلد طیب یاد نکرد چون مکه در منطقه استوایی قرار داشته و گرمای سخت و شرایط اقتصادی آن اجازه نمی داده است که در آنجا کشاورزی رونق بگیرد اما امنیت بخشی الهی آنجا را سرزمین پر برکتی قرار داد از این رو در همه فصول سال از نعمت ها و میوه های فراوان راه یافته به آنجا بهره مند است و از این رو خداوند آنجا را بلد امین نامیده

است. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۷۱/۲۰).

۶. سرزمین قوم عاد و ثمود

فرعون و قوم عاد و ثمود، در ممالک و سرزمین‌ها، به طغیان گری پرداخته، در گناه فرو رفتند. هر سه؛ کسانی بودند که از حدّ بندگی گذشتند و بر انبیا تجبر و تکبر نمودند و در شهرهایی که حاکم بودند طغیان کردند.

واژه بلد در سوره فجر منظور مکانی است که این سه قوم در آن فساد کردند. (التي لم يخلق مثلها في البلد * و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد* و فرعون ذی الاوتاد* الذين طغوا في البلد* فاء كثروا فيها الفساد) (فجر ۸ تا ۱۲)

طغیان، از حد گذراندن گناه است. (مقایس اللغة) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العين). حرف «ال» در «البلاد»، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین‌هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان‌پذیر بوده است و می‌توان گفت: اصل آن «بلادهم» بوده و حرف «ال»، جانشین ضمیر «هم» است و مراد سرزمین‌هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

منظور از این فرعون، فرعون زمان موسی (ع) است و اگر او را (ذی الاوتاد) خوانده برای این بوده است که بنابر آنچه در روایات آمده؛ هرگاه فرعون می‌خواست کسی را شکنجه کند، روی زمین می‌خواباند و با چهار میخ چهار دست و پایش را به زمین می‌خکوب می‌کرد. مؤید این روایات، رفتاری است که قرآن از فرعون نسبت به ساحرانی حکایت نموده که به موسی ایمان آوردند که به ایشان گفت: (لَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّحْلِ) (طه/۷۱) معلوم می‌شود هر کس را می‌خواستند دار بزنند دو دست و دو پایش را بر چوبه صلیب می‌خکوب می‌کردند.

(الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ) می‌فرماید این‌ها اقوام و اشخاصی بودند که در بلاد طغیان نموده، فساد را در آن‌ها گسترده کردند. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۷۱/۲۰)

عاد همان قوم پیامبر بزرگ، هود است بعضی از مورخان معتقدند عاد بر دو قبیله اطلاق می‌شود: قبیله‌ای که در گذشته بسیار دور زندگی داشتند و قرآن از آن‌ها تعبیر به عادالاولی کرده است (نجم/۵۰) آن‌ها احتمالاً قبل از تأریخ، زندگی می‌کرده‌اند. قبیله دوم که در دوران تاریخ بشر و احتمالاً حدود هفتصد سال قبل از میلاد مسیح (علیه‌السلام) وجود داشتند و به نام عاد مشهورند و در سرزمین احقاف یا یمن زندگی می‌کردند. این قبایل در شهرهایی که حاکم بودند طغیان و فساد را از حد گذراندند.

تفاوت سیاقی در نکره و معرفه بودن واژه بلد در قرآن کریم؛

کلمه «بلد» در آیه (وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ اَمِنًا وَاَجْنِبْنِي وَبَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ) (ابراهیم ۳۵) معرفه آمده است؛ اما در آیه ۱۲۶ بقره که نظیر همین آیه است، نکره ذکر شده است. (وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا اَمِنًا وَاَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ اَمِنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَاَلْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَاَمِنْ كَفَرًا فَاَمْتَعُهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اُضْطَرُّهُ اِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيْرُ) (بقره/۱۲۶).

دعای حضرت ابراهیم (ع) در آیات ۱۲۶ سوره بقره و ۳۵ سوره ابراهیم در تمامی واژگان، همانند یکدیگر بوده و تنها از ناحیه تعریف و تنکیر واژه «بلد» با یکدیگر اختلاف دارند. واکاوی سیاقی هر یک از این آیات و بررسی انواع قرائن موجود در آن‌ها، حاکی از آنست که تکرار این دو آیه، ناشی از تفنن در کلام نبوده و هر یک معنایی متفاوت با دیگری را افاده می‌نمایند. علت اختلاف این آیات، توجه به قرائن مختلف سیاقی همانند قرائن لفظی و نیز قرائن غیرلفظی همانند مقام کلام و مکان نزول این آیات، نقش ویژه‌ای را ایفا کرده و راهگشای مؤثری هستند.

با تفحص در قرائن غیرلفظی آیات مورد بررسی، روشن می‌گردد که در میان انواع مختلف آن، موارد زیر در جهت تبیین علت

اختلاف این آیات، مؤثر هستند.^۱

مکان نزول: برخی از مفسران علت تفاوت دو آیه موردبررسی را تفاوت در مکان نزول آن دو دانسته‌اند. برخی از ایشان از قول سهیلی گفته‌اند: سوره ابراهیم، در مکه نازل شده و مکی است یعنی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هنگام نزول این آیه، در مکه حضور داشته‌اند، به همین دلیل کلمه «البلد» همراه با الف و لام تعریف، که ال عهد است و نمایانگر حضور معهود است آمده؛ یعنی این شهر، در زمان نزول این آیه، برای همه شناخته شده و عده زیادی در آن جمع شده‌اند. (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۶۰/۱۲)

زمانی که شهر شناخته شده برای همگان است و عده زیادی در آن جمع شده‌اند، به صورت معرفه آمده و زمانی که ناشناس و مخفی است یعنی هنوز به صورت شهری در نیامده و کسی از وجود فعلی آن خبری ندارد، یا مخاطبان در آن حضور فیزیکی ندارند به صورت نکره ذکر شده است. (مشاهره، ۱۴۳۱: ۱۳۳)

به دیگر بیان، خداوند سبحان، در استجابت دعای ابراهیم، این بلد را همانند سایر بلاد، قرار نداده بلکه شهری با تمام امکانات و لوازم سکونت مقرر فرموده که به سبب معرفه آمدن آن، این ویژگی خاص بودن آن قابل تشخیص است.

با تفحص در سایر استعمالات کلمه "بلد" در قرآن کریم می‌توان دریافت که کاربست آن به صورت معرفه، دلالت بر تعظیم و مدح آن می‌نماید. چنانچه در آیه (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ) (اعراف/۵۸) و نیز آیات (لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ) (بلد-۲/۱) یا (وَالَّتَيْنِ وَ الزَّيْتُونِ * وَ طُورِ سِينِينَ * وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) (تین-۴/۱) این عظمت و مدح، به خوبی دیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۲۰).

سایر آیات سوره بقره نیز این معنا را تأیید می‌کنند که دعای حضرت، در سوره بقره، قبل از شهر شدن مکه و تعیین حدود مرزی آن بوده و متفاوت با دعای مذکور در سوره ابراهیم است. از جمله این قرائن می‌توان به آیاتی اشاره نمود که در این سوره، به طور مکرر تکرار شده و اشاره به آغاز احداث و ایجاد پاره‌ای امور دارند. مقایسه این آیات با آیه موردبررسی در سوره بقره، مؤید این معناست که این آیه نیز محتمل است در سیاق آیات قبل از آن بوده و همانند آن‌ها به ایجاد و احداث امری نوظهور و جدید (مثلاً شهر مورد درخواست حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) اشاره داشته باشد).

درحالی‌که آیه موردبررسی در سوره ابراهیم، طبق نظر برخی مفسران، عطف به آیه (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَ بَئْسَ الْقَرَارُ). (ابراهیم/۲۹-۲۸) بوده و در مقام احتجاج با مشرکین ساکن در شهر مکه است که گمان می‌نمودند در طریق ابراهیم هستند درحالی‌که نعمت‌هایی که خداوند در استجابت دعای ابراهیم به ایشان داده بود و این وادی بی‌آب‌وعلف را به شهری پربرکت و امن تبدیل نموده بود را کفران نموده و برای خداوند شریکانی قائل شدند. در حقیقت ایشان به جای پیروی از اجداد صالح، از گمراهان آن‌ها پیروی نمودند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴/۲۱۰۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۱/۷؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶/۴۴۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۶/۳۱۸). بنابراین، در سیاق آیه سوره ابراهیم، حرفی از احداث و ایجاد لوازم آسایش نیست و به جای آن، از تبدیل نعمت و استفاده نادرست از الطاف الهی سخن رفته؛ بر همین اساس، دعای دوم حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) مبنی بر امنیت و ایجاد آرامش، با فضای این آیه متناسب است.

بنابراین توجه به انواع قرائن فوق، این احتمال را تقویت می‌کند که دعای حضرت در سوره بقره، برخلاف مشابه آن در سوره ابراهیم، قبل از احداث شهر مکه، صادر شده و مبنی بر تقاضای شهرشدن آن، توسط حضرت است.

^۱ این دسته از قرائن که جدای از کلام هستند؛ پس از آنکه الفاظ و عبارات، معنایی را به شنونده یا خواننده سخن منتقل کرد و مفهومی را ارائه نمود، در نشان دادن مراد جدی گوینده نقش بازی می‌کنند. به همین دلیل گفته می‌شود: قرائن پیوسته در مراد استعمالی و قرائن ناپیوسته در مراد جدی اثر می‌گذارد (بابائی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

نتیجه:

با بررسی معناشناختی از طریق لغت‌شناسی واژه بلد در کتب لغت و بررسی معنای این واژه در سیاق آیات به این نتیجه می‌رسیم که این واژه کاربردهای مختلفی در قرآن دارد. در لغت‌نامه دهخدا این واژه به‌عنوان راهنما و راهبر آمده است و در زبان عربی به معنای سرزمین آمده است. این واژه دارای شش کاربرد است که در آیات مختلف معانی متفاوتی دارند:

۱- گاهی به طور عام به معنای سرزمین

۲- گاهی به معنای زمین حاصل خیز و طیب

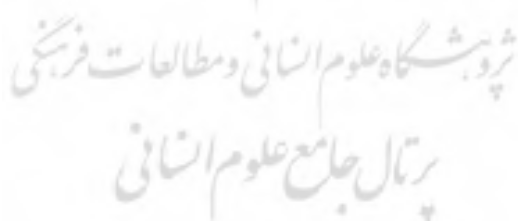
۳- به معنای شهر مکه.

۴- این واژه در آیاتی به شهر قوم سبأ اطلاق شده است.

۵- آیاتی دیگر به سرزمین فرعون و عاد و ثمود اطلاق می‌شود که در آن طغیان کردند.

۶- با تفحص در سایر استعمالات کلمه "بلد" در قرآن کریم می‌توان دریافت که کاربرست آن به صورت معرفه، دلالت بر تعظیم و مدح آن می‌نماید. اما آیه سوره بقره؛ که در خصوص یهود و نصارا، یعنی فرزندان اسرائیل و یعقوب نازل شده؛ مقام و هدف آن، موعظه و پنددهی اهل کتاب، البته با لحنی مؤاخذه‌آمیز است.

واژه "البلد" ۵ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده و یک‌بار نیز با صیغه مونث آمده است. در پنج مورد از شش مورد یاد شده، مطابق نظر مفسران، این واژه به شهر مکه و جایگاه ویژه آن، اشاره دارد.



منابع

- [۱] آلوسی، محمود بن عبدالله (بی تا). *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- [۲] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- [۳] ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴). *التحریر و التنویر*، تونس، الدار التونسیه للنشر.
- [۴] ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۰۷). *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالفکر.
- [۵] ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، بی جا، مکتبه الاعلام الاسلامیه.
- [۶] احمد مختار، عمر (۱۹۹۸). *علم الدلاله*، قاهره، عالم الکتب.
- [۷] بازیانی، سمانه (۱۳۹۹): *بررسی معنا شناسی واژگان حوزه غفران در قرآن کریم، بررسی معنا شناسی واژگان حوزه غفران در قرآن کریم*، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.
- [۸] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
- [۹] جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸). *الصحاح*، تهران، امیری.
- [۱۰] راغب أصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم - الدار الشامیه.
- [۱۱] صفا، وحید (۱۴۰۱): *گونه شناسی صورت بندی های مفهوم «بخشایش» در قرآن کریم و ترجمه های فرهنگی آن*، مجله: مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۳۰.
- [۱۲] طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین قم.
- [۱۳] طریحی، سید احمد الحسینی (۱۴۰۸). *مجمع البحرین*، بی جا، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- [۱۴] طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵). *جامع البیان*، بیروت، دارالفکر.
- [۱۵] طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۹۵). *مجمع البیان*، بیروت، اعلمی.
- [۱۶] فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا). *التفسیر الکبیر*، تهران، چاپ افست.
- [۱۷] فتحی، علی (۱۴۰۰): *تبیین روش معنا شناسی واژگان تربیتی کلیدی قرآن: معنا شناسی موردی مفهوم «تربیت»*، تربیت اسلامی.
- [۱۸] فاسی، محمد بن احمد (۱۳۸۶). *شفاء الغرام*، تهران، مشعر.
- [۱۹] قاسمی، کوثر (۱۳۹۸). *مقاله امت فراتر از تمدن در آینه قرآن؛ فصلنامه فلسفه و الهیات؛ سال ۲۴؛ شماره سوم*.
- [۲۰] قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- [۲۱] ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (بی تا). *النکت والعیون*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۲۲] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۳] مصطفوی، حسن (۱۳۹۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، مرکز نشر الکتب.
- [۲۴] مقرئ الفیومی، احمر بن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر*، قم، دارالهجره.
- [۲۵] محققان، زهرا (۱۳۹۴). *مقاله کارکرد قرائن سیاقی در تعریف و تنکیر واژه « بلد » در آیات متشابه لفظی سور بقره*

و/براهیم، فصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۷.

[۲۶] مطیع، مهدی، پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). *نامور مطلق*، معنانشناسی در مطالعات قرآنی، درگاه راسخون.

[۲۷] کمال آبادی شفیعی (۱۴۰۰): *تبیین میدان معنانشناسی مفهوم «تاریخ» در نهج البلاغه*، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۴۴.

